

بازدم ژون ماه فرانسه ۱۷۷۷
 قیمت بکطرا بکعباسی
 قیمت اعلان سطر ده شاهی
 از آه قبه چهار قط



دوشنبه بیست و هشتم شهری ماه اولی سنه ۱۲۹۴
 هر کس اخبار و اطلاعات علمی بدار الطباعه
 مایه بون بفرستد درین روزنامه باسم خود او
 نوشته خواهد شد

روزنامه علم

بفتح تحقیق برز انصرت طبیب مخصوص در کرسی
 مبارک کتبات الفنون

جواب مسئله دوم ابصار عبارت از اثری است که بواسطه آلات
 باصره شکل و لون اجسام و جمیع خواص متعلقه با آنها را که مربوط اند
 بنور درک کنیم و بعبارت اخری ابصار عبارت است از رسیدن اشعه
 شبیه مرئی بعشاء شبکیه و درک نمودن دماغ شکل و لون و حجم
 و وضع آنها فایده ابصار درک نمودن شکل و لون و حجم و وضع
 اجسام است و موضوع آن آلات باصره است

الآت باصره سه قسم اند قسمی مخصوص است ابصار را مانند عصب
 باصره و عصب کانکلیونیه و عشاء شبکیه و رطوبات ثلاثه و غیرهم
 و قسمی مخصوص است حفظ آلات ابصار را مانند حاجبین و جفینز
 و غدد دمع و غیرهم و قسمی دیگر مخصوص است حرکت آلات
 ابصار را مثل چهار عضله مستقیم و دو عضله مورب اعلا و تحتیم
 مقله عبارتست از کلوله مجوف که محلی است از بعضی موانع مختلفه
 لازم ابصار وضع و هیات مقله بطرزیکه خطوط شعاعیه میتوانند
 در آن نفوذ نمود و در روی عصبی که در جانب خلفی مقله است
 منتشر گردید

مقله بوجود آمده است از سر کره تو در تو که اولین آنها از ام الغلیظ

و دو پهن از ام الرقیق و سه پهن از جرم عصب باصره است بدین قسم
 که چون عصب باصره از دماغ وارد ثقبه باصره و محل مقله شد از غشاء
 خارجی او که ام الغلیظ است کره مجوفی حاصل شود که از قدام قرنیه و
 از خلف صلیبش کوپند و از غشاء دویم آن که موسوم بام الرقیق است
 کره دیگری موجود گردد که محاط کره اولیه است قدام آنرا عنقیبه و خلفش
 مشیمه کوپند عنقیبه را در وسط ثقبه است موسوم بحدقه که محل
 عبور نور است و از جرم عصب باصره نیز کره داخل ساخته شود که از
 جانب قدام موسوم است بعنکیوتیه و از خلف بشبکیه این هر سه کره
 تو در تو محاسن و ملاصق هم نیستند بلکه فاصله مابین آنها است که
 محلی از رطوبات شده اند چنانکه فضای مابین قرنیه و عنقیبه را
 رطوبت بیضیه و فضای مابین عنکیوتیه و شبکیه را رطوبت زجاجیه
 و فضای مابین دو رطوبت مذکوره را حدس بلوری ملو ساخته است
 نور چون از شبیه مرئی منعکس شد از قرنیه وارد مقله شود و از رطوبت
 بیضیه و عدس بلوری طرز رطوبت زجاجیه گذشته در عشاء شبکیه منتشر
 گردد شکل و لون و حجم و وضع آنرا بطور انطباق در آن محل منطبق ساخت
 و دماغ بواسطه عصب باصره و تقاطع الباف آن در کتباتها را کرده ضبط
 نماید

الت بصر که عبارت از چشم است در انسان و حیوانات همتا ندارد مفرد است

بقیة ترجمه تاریخ حکمت بن حیل صنعه موم و بکبار الامر

حمزة بن حسن گوید اسکندر بعد از چندی توقف در کاشغر مراجعت نمود و قصد بابل کرد اما چون بقوس رسید بیمار شد و
 بیماری او طول کشید و در بین راه قبل از آنکه ببابل برسد در گذشت و بابل را اسکندر چنان خراب کرده بود که بتل خاکی شبیه شده و بتلافی
 خرابیها گویند اسکندر دوازده شهر در خاک ایران بنا کرد و همه را منسوب باسم خود نموده اسکندر پیر نامید یکی از آنها را در صفهان و یکی در هرات
 و یکی در مرو و یکی در سمرقند و یکی در صغد و یکی در بابل و یکی در میسن و چهار از آن در ایمن سواد بود اما این روایت را صحت و اصلیت
 زیرا که اسکندر خراب کننده بود نه آباد کننده

ملوک اشکانی

همینکه اسکندر از قتل اشرف و بزرگان فرس فراغت یافت و مستولی بر خراب کردن شهرها و قلعه ها کرد و آنچه مامول او بود قرن حصول
 مکتوبی با رسطا طالپس نوشت مضمون اینکه من تلافی آنچه اهل مشرق زمین بیوان و بلاد مغرب کرده بودند نمودم سلاطین آنها را کتیم و قلاع
 و حصون آنها را خراب و ویران نمودم ولی پسر سواد و اولاد سلاطین بعد از من قصد بلاد مغرب و عزم تلافی کنند تدبیری بجای رفیع این غایب
 اند بشد ام اینست که فرزندان ملوک را دنبال کرده آنها را جمع نماید و ملحق بانای ایشان سازم رای تو درین باب چیست ارسطاطالپس در جواب

ولی در حشرات الارض مرکب از چندین مقله چنانکه در مکن و غیر چندین

مزار چشم دیده شد

بقیه اخبار حفظ صحیح مزاج ابو الحسن حکیم بیهوش کتابخانه مبارک در شیراز

اشربه جزء عمده و مؤثر در صحت انسان میباشد و هر وقت مقتضی وقت مخصوص اند و علاوه بر اقتصای شد بدین معنی هضم اغذیه صلبه بدو مرامی مابقی معوق خواهد ماند پس نوشیدن شربتهای درجهین صرف غذا یکی از شربتهای هضم است و اشربه مختلفه بدین منظور معمول است بعضی مانده و برخی الکلی اثرش با شیرین و معطر و آب جزوه اعظم ترکیب جمیع اشربه و خود به تنهایی شربتهاست از همه گوارا تر

آب همه حجه در زندگانی شخص انسانه ناکزیر است بجهتیکه موارداست که بر کسی پوشیده نیست و آب قابل شرب است که شفاف و خوش طعم و خنک و سبک وزن باشد بدون هیچ بوئی و حامل مقدار هوائی بوده و از جوشانیدن مبدل بجزر بگردد و در سوئی بماند که در گوشت و سبزی را بجزو بپزد و صابون را حل کند بدون تشکیل کلو بول و چون آب بجمیع این صفات راسته باشد عمل هضم است عموماً آب باران خالص بشرطیکه در هوای طوفان و در اول بار بدن باران اخذ نمایند و چون آب باران را برای خوردن جمع نمایند باید از بام و ناودان نکند و آب برف و آب برف را کوارش مشکل است و مقدار هوای محلوله درین دو قسم آب که چون اراده نوشید آنها باشد بجهتیکه مدت در ظرفی معروض بجاواید و بعد بنوشند آب رودخانه همیشه قابل شرب نیست و حالت آبش بسته بطبیعت موضع معبر و سوراخهای منبع سبلاب و مواد محلوله از اجزاء حیوانی و نباتی و جمادی است و از تجزیه و تجزیه میتوان فهمید که آب کدام رودخانه مشروب و کدام نامرغوب است و در هر حال بجهتیکه آب در وقت

صاف نموده بنوشند

خوب آب قنوه که خیلی صاف است از آب رودخانه نیز بسته بطبیعت خاک موضع و سایر اموات است که بعد از امتحانات باید حکم بر قابلیت شربش نمود آب چاه هیچ وقت نوشیدنی است باید چه مقدار هواش بسیار کم و حامل مواد خارجی که از خاک بدو رسیده با از ترشح میناه متعفن طویلها و مینالها داخل آن گشته و بدین جهت از صاف نمودن هم مشروب نخواهد شد آب اصطخرها و غده برها و آب انبارها و برکها و سایر میناه را که بدو باز از این میناه مرهین که وسیع تر باشد بجهتیکه عموماً میناه را که مستعد تعفن اند و چون آب دیگر دست ندهد بواسطه تقطیر و تصفیه میتوان آنها را قابل شرب نمود

آب مشروب را بر حسب کتب و زمان استعمال اثر مختلف میشود چنانکه اگر مقدارش زیادتی باشد موجب تمدد معده و تغییر عمل هضم گشته و گاهی موجب تمهیک و دوچون عادت بر این جاری شد که آب بسیاری وارد معده شود هضم غذا اختلال پذیرفته کلیه مزاج را تغییر فاحش روی داد و بعد تبند گشته استها زایل و قولنج و اسهال عارض گوشت بدن نرم و پوست کم رنگ شده اغلب اعمال طبیعی از نظم میافتد

پس قاعده کلیه اینست که هیچ وقت بی عطش آب نوشیده و در حال عطش هم هر قدر ممکن است عادت باشایدن مقدار بسیاری از آن نکند و که نوشیدن آب هم بقدری که کافی نباشد خطرناک است چنانکه تبند در دهان خشک شده و رفته رفته در اعمال عصبی اختلال دست داده و هذیان و تشنج اشکار کند و نوشیدن شربتهای درجهین صرف غذا بر فو معده میافزاید ولیکن موجب بعضی اختلالات شده مستعد با مریض چند مینازد و برخلاف چون ابراهیم مقدار لایق و در وقت صرف غذا بنوشند تسکین عطش میدهد و عمل هضم را اعانت داده بدین مابقی

بقیه ترجمه تاریخ حسن بیک

نوشت که اگر اولاد سلاطین را بقتل رساند هیچ شک نیست که سلطنت و مملکت منتقل با دزدان شود و چون مردم پست پادشاهان مقتدر کردند و چون اقتدار یافتند سرکشی و طغیان کنند و ظلم و تعدی آغاز کرده از حد خود تجاوز نمایند و مفسد ایشان البته بیشتر خواهد بود چنانکه اینها ملوک را جمع گنی و هر یک را یک شهر یا یک ایالت دهی و درین صورت هر یک بخیال تصرف ملک آن دیگر خواهد افتاد و در ضمنی در میان آنها در خواهد گرفت و بخود گرفتار و مشغول میشوند و بلاد مغرب از شر آنها ایمن خواهد بود بنا بر این رای اسکندر بلاد مشرق را در طوایف تقسیم کرد و علم نجوم و طب و فلسفه و زراعت را از میان آنها بیرون برده و بلاد مغرب فرستاد بعد از آنکه اقلو مریبونان قبلی ترجیح نمودند خلاصه بعد از آنکه اسکندر در گذشت و ممالک مشرق زمین در تحت ملوک الطوایف درآمد نزاع و خصام در میان آنها در گرفت و برهم غلبه بین مسائل غامضه و در ایام آنها کتابها تصنیف شد و بدست مردم افتاد که از آن جمله کتاب مروت و کتاب سداب و کتاب بر سانس و کتاب شهبان و نظایر اینهاست که تقریباً شماره آنها بجهتیکه کتاب برسد و بدین روش بودند تا ز باره از بیست نفر پادشاهی کردند و بعد ملوک طوایف بودند و در میان آنها اشخاصی پیدا شدند که مت آنها عالی و مصروف بچنگ بود و همه ملوک طوایف کسی که پادشاه عراق میشد در طیفون که در

متمله از بدن کشته و بر مقدار خون بسیار بدو هم بر ترشح عرق افزوده
 و از تحریک غذا که استه خالتی خوش برای جمیع بدن دست میدهد پس بد
 چون آب بمقدار لایق و موقع مناسب نوشیده شود ^{از جمیع اشربه} بهتر است و هیچ
 شربتیه جای آب را نمیگیرد و از آب صاف خالص خوشگوار هیچ کس زده
 نمیشود و اقسام شربتیهها که ابتدا این قدر مطبوع مینماید پس از صرف چند
 قاشقی طبیعت را منزه میکند و بک کپلاسی آب خوشگوار در وقت
 تشنگی بجز قیمتتی ارزان بلکه باید بجانش خریدار بود بقیه در غم آید

جغرافیة

متاع انگلیس جزایر برینا بنک خیلی سبز دارد و پرچین است
 سبب نمیشی خیلی دارد آشیاء معدنی از قبیل آهن و مس و برنج و زغالی
 سنگ زیاد است آبهای خوب بزرگ و کوسفند زیاد دارد

دانمارک

وضع وحدود آن دانمارک موضوع است در جانب شمال اروپ
 و محدود است از شمال بواسطه بغازهای اسکاژوراک و کاتکا
 و در مشرق بواسطه بغاز سوند و در پای بالتیان در جنوب بواسطه
 دولت المان در مغرب بواسطه در پای شمال

وسعت خاک و جمعیت دانمارک

وسعت این مملکت مناو بیت بصد و پنجاه کیلومتر مربع و جمعیت
 آن مناو بیت بد و ملبان که حرف میزنند بعضی بزبان مملکت
 پادانو و بعضی بزبان المان
 بغازهای معروف آن دانمارک مخاط است بشمال و مشرق بواسطه
 بغازهای سوند و کراند بلت و بازرک بلت و کوچک بلت و کاتکا
 و اسکاژوراک و این بغازها وصل مینمایند در پای بالتیان را
 در پای شمال

نقشبات و شهرهای معتبر دانمارک دولت دانمارک شامل است
 سه جزو اول دانمارک مخصوص کرمرکیاست است از بک کنستان کر
 مستی است بژوتلانند که شهر معتبر آن البرغ است و آن بندر است
 در نزدیکی کاتکا و از چند جزیره که معتبرترین آنها جزایر سلانداست
 و شهر کپاناک در آن جزیره واقع است پای تخت دانمارک بند طبیعی است
 و جمعیتش مناو بیت با صد پنجاه و پنجاه نفر و شهر سینور بند است
 در روی رودخانه سوند

دویم دو شهر المان که نامیده شده اند هلتن و لنبورغ که بک جزیره هستند
 از کفیدار سبان ثومانیک و بندر کپل در آنجا واقع است و آن بندر است
 واقع نزد بک در پای بالتیان و بندر التنا که بندر است در روی
 الب نزد بک شهر هامبورغ

سوم جزیره بزرگ اهلانند واقع در شمال و مغرب در پای محیط
 اتلاننیک شهر معتبر آن موسوم بر یکیا و بک است بقیه در غم آید

اخبار نیکوگرافی و دلخایر خبر

قفقاز سیم ژون مطابق بیستم جمادی الاولی دست دوم سواران
 و افواج غیر نظامی داغستان و کابار دادر تحت فرمان شاهزاده چچوایز
 حمله بر سواران عثمانی در نزدیکی بکلی کرده اند بعد از مجادله و جنگ طولانی
 عثمانیها فرار کردند درین جنگ دست سواران بنشیند دو عراده توپ
 از عثمانیها گرفتند

لندن بیست و هفتم مه ماه مطابق سیزدهم جمادی الاولی خبر اخراج مکات
 جنگ اینست که روسای قشون روس بشهر اسکندریه بفرار کردند
 و جناح اسپریشون ایشان یوان رسید بک کشتی زده پوش عثمانی
 در شهر ابراهیملا بواسطه مفعول اکثر بیهوش غرق شد
 اسلامبول بیست و هشتم مه ماه مطابق چهاردهم جمادی الاولی خبر بدو

ترجمه تاریخ جنگین

قرار میگرفت معظم مبشر دند و آن پادشاه بمریک چون نامه نوشتی خود را مقدم داشق
ذکر شاپور ابن اشک از کاتبان که خیال او متوجه جنگ بود و برای اینکار آماده شاپور بن اشک بن افران ابن
 اشغان میناشد و او کسی است که در زمان سلطنت او حضرت عیسی علی نبینا و اله و علیه السلام ظهور فرمود شاپور باروم
 حرب کرد و پادشاه روم انوقت انطیخس بود و او سیم پادشاه است بعد از اسکندر و شمرانظا که از بناها آوست لجه شاپور در روم
 قتل و هب زیاد نمود و ذر بات انها را جمع در کشتی ها کرده غرق و معدوم ساخت و گفت این قصاص و خوفخواهی را از است و بسیار چیزها میکند
 از اهران برده بود شاپور را بدست آمد دوباره بمملکت خود برگردانید و از وجوه و غنایمی که بدست او آمد بود مقداری صرف حفر خیزی کرد در
 عراق که آنرا ^{بهری} خمر الملک میگویند

ذکر کورن بن اشک

یکی دیگر از بنطایفه کورن بن اشک است این پادشاه بابنی اسرا بیل جنگ کرد و این بعد از قتل محبی بن زکریا علیه السلام بود و در زمانه شمر اودم
 خراب کرد و شمشیر در میان اهل آن گذاشت و زبانه از حد مجود را بکشت و بسیاری از آنها را نیز اسیر کرد همچنین طبطوس بن اسفیان نوری پادشاه

عثمانی رسید که شهر اردغان را قشون این دولت پس گرفتند
 آن بیست و هشتم ماه مه وزرای یونان استعفا کردند
 لندن بیست و هشتم ماه مه رودخانه های دانوب و آلوتوست
 طغیان کردند و موافق خبریکه رسید قشون روس که در اردغان بود
 بدست قشون نزدیک قارص ملحق شدند و در نزدیکی سخوم قلعه
 جنگ میکنند روس باز با نخاقشون فرستاده
 پاریس بیست و هشتم ما کاهون اظهار کرده که مملکت فرانسیس
 مداخله در مخالفت اروپا نمیخواهد کرد
 لندن بیست و نهم ماه مه مطابق پانزدهم جناری اولی وزرای مختار روس
 از برلن و وین پطر رفتند
 اسلامبول بیست و نهم ماه مه قشون رمانه در والاش صغیر جمع شدند
 و منظر جنگ هستند بسیاری از سفته ها را گرفتند و بعضی از آنها را
 اخراج بلد نمودند اهل آن اجتماع کرده متفق القول گفته اند باید
 وزرای جد بد تعین کرد و تدارک جنگ دید
 لندن سی ام مائمه مطابق شانزدهم جناری اولی دستر کشتی نره
 پوش المانه بهمت ولایات مشرق زمین مامور شدند خبر دیگر از جنگ
 قارص رسید و پس گرفتن اردغان معلوم نیست قشون روس از
 کنار بحر اسود عقب کشیده و دره های کوه را محافظت میکنند شهرها
 و برین و کالافت بم توپ میاندازند
 برلن سی ام ماه مه روزنامه ولایتی پر روس ادعا کرده که آن دولت در باب
 صلح اروپا کمال سعی را نموده قشون ساخو پر روس در لزان ولز زیاد
 بود کل سی ام ماه مه روزنامه فرسکو پد که دولت روس میخواهد دولت
 انگلیس را مطمئن نماید که ضرر این دولت را نمیخواهد چنانکه کریم رنجینه
 که در هفتم ماه مه در مشور تخانه نموده اشاره با بنطلب کرده است یعنی

مقصود دولت انگلیس آنست که روس سوز را حفظ نماید و مصر را
 محافظت کند و نگذارد که کسی از دار داخل و بسفر عبور کند
 لندن سی و یکم ماه مه مطابق هفدهم جناری اولی کرچاکوف همراه
 روس به پلوسنی خواهد آمد و این حرکت تا به این شده که در بخارست
 سکویند که دولت روس خیال دارد بتوسط المانه با عثمانی گفتگوی
 لندن اول ماه ژون مطابق هجدهم جناری اولی دیشب یورک در
 مشور تخانه گفت و بلی ندارد که دولت روس صلح را ممکن بدانند مگر
 صورت رضایت دول فرنگستان و نیز گفته بود که بمیند نام دولت روس
 مکانهای جنگ را تعیین خواهند داد تا به موافق خبر اخری که از آن
 صغیر رسیده لشکر روس با جناح ایمن و اسپر لشکر عثمانی در اردمنستان
 جنگ میکنند ولی بواسطه بارندگی نمیتوانند لشکر را چنانکه باید حرکت
 دهند و موافق خبریکه از عثمانی رسیده گرفتن اردغان صدق و حقیقت
 پیدا کرده دبر و زدر شهر پر مگام کلا قشون مدعی بر این شدند که اگر
 دولت انگلیس میخواهد رای دعا پای خود را در باب مشرق زمین بداند
 اجرای مشور تخانه را بجد بد کند بجهت راضی نبودن سر یازهای پر
 که در دانوب هستند دولت عثمانی آنها را از آن مکان ببرد
 آن دویم ژون دبر و زدر مشور تخانه یونان و زبر اول اظهار کرده
 که دولت خیال دارد قشون خود را از بار کند و سر یازهای جد بد ببرد
 لندن دویم ژون باز میان مردم گفتگوی صلح هست لیکن بنطلب
 ممکن نمیشود مگر بعد از آنکه دولت روس فسخی عظیم کرده محض زیاده نشد
 اغتشاش دول اروپا صلح نماید طغیان رود دانوب تحقیق یافته شد
 و موافق خبریکه از جنگ اسپانیا رسیده و سهار در نجهت جنگ دور قارص
 پاریس چهارم ژون موافق خبر جنگ از سمت انوب از وقعه بقشون روس رسانید
 زیاد مشکل شد زیرا که راههای رمانه ها با طلاق و کل شده و همچنین
 معیوب شده است

تاریخچه نایب حکیم بن حسن

باجود جنگ کرد و کوبید این بعد از ارتفاع حضرت مسیح علیه السلام بود بقاصد جهل سال بمرحال درین جنگ نیز بسیاری از جهود مقتول و جماعتی اسیر
 و کر بلاش ابن خسرو یکی دیگر از بنطایفه بلاش بن خسرو است باین پادشاه خبر دادند که سلطان روم همت بجنگ و
 لشکر بلاد ایران کاشته است و چنین خیالی دارد بلاش بملاک الطوائف مجاور نام نوشته کک از آنها خواست هر پادشاهی بقدر قوه و امکان
 زر و لشکر برای امداد و یاری او فرستادند همینکه بلاش را بوسپله مرز بورد قوه حاصل و عساکر فراوان جمع آمد صاحب کر یکی از ملوک طوائف
 و با خاک روم همسایه بود سر یاز قشون کرده روانه مرز روم نمود آنها بالشکر روحی تلافی کرده آنها را جمع و مهمتای جنگ دیدند با ایشان جنگ در
 پادشاه آنها را کشته و عساکر او را متفرق نمودند و غنیمت وافر بچینک آنها افتاد و چون باز گشتند خس غنایم را برای بلاش فرستادند
 و همین جنگ سبب شد که رومیها اموال زیادی فراهم و جمع کرده قصد ساختن شهر محکمی نمودند که دار الملک و پای تخت خود را بدان شهر بوند
 و نیز قصد شان این بود که شهر پادشاه نشین آنها نزدیک بلاد عجم باشد محلی که شهر قسطنطنیه در آن بنا شد پسند و اختیار ایشان شد و در او این شهر بنا
 و نقل یای تخت بدانجا کردند و چون سلطان ایشان در آنوقت قسطنطنین این شهر را با و منسوب کرده قسطنطنیه نامیدند محمد حسن